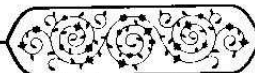


سَمْعُ دِيكَ صَحِيفَةُ

أَهْلُ عَالَمِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه: علامه میرزا ابوالحسن. شعرانی





شرکت چاپ و نشرین الملل

عنوان کتاب: صحیفه سجادیه

مؤلف: علی بن الحسین (علیه السلام)

ترجمه: ابوالحسن شعرانی

مدیریت هنری: ترجمه و تدوین: سید محمد داناوند

ناشر: چاپ و نشرین الملل، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشرین الملل، ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

سرشناسه: شعرانی ابوالحسن، ۱۲۸۱-۱۳۵۲

عنوان قراردادی: صحیفه سجادیه، فارسی - عربی، شرح

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه سجادیه امام علی بن الحسین (علیه السلام) / ترجمه و شرح ابوالحسن شعرانی

مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشرین الملل، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ی، ۳۸۳ ص..

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۳۸۶-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: علی بن الحسین (علیه السلام)، امام چهارم، ۳۸-۹۴ ق. صحیفه سجادیه -- نقد و تفسیر

موضوع: دعاها

شناسه افزوده: علی بن الحسین (علیه السلام)، امام چهارم، ۳۸-۹۴ ق. صحیفه سجادیه، شرح

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشرین الملل.

رده بندی کنگره: ۱۲۸۹ ۱۳۲۲۴۷ ۳۰۴۳۸۶/۱/ع۸ BP۲۶۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۹۴۸۲۱

مقدمه مترجم	۱
مقدمه صحیفه سجادهیه	۱۵
۱. دعای آن حضرت که در آغاز سبّاس خدای تعالی و ستایش او می نمود	۲۳
۲. دعای آن حضرت در سپاسگزاری خداوند و درود بر رسول او	۳۱
۳. دعای آن حضرت در درود بر حاملان عرش و هر فرشته مقرب	۳۵
۴. دعای آن حضرت در درود بر پیروان انبیا	۴۱
۵. دعای آن حضرت برای خود و بستگان	۴۵
۶. دعای آن حضرت هنگام صبح و شام	۴۹
۷. دعای آن حضرت آنگاه که حادثه غم انگیز یا پیشامدی ناگوار رخ می داد	۵۵
۸. دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا از خوی بد و کارهای نکوهیده	۵۹
۹. دعای آن حضرت در اشتیاق به درخواست آمرزش از خدا جل جلاله	۶۳
۱۰. دعای آن حضرت در پناه بردن به خدای تعالی	۶۷

۱۱. دعای آن حضرت در طلب عافیت ۶۹
۱۲. دعای آن حضرت در اعتراف به گناه و طلب توبه از خدای تعالی ۷۱
۱۳. دعای آن حضرت در حاجت خواستن از خدای تعالی ۷۷
۱۴. دعای آن حضرت هرگاه ستمی بدو می‌رسید یا از ستمکاران ستم می‌دید ۸۳
۱۵. دعای آن حضرت هرگاه بیمار می‌شد یا اندوه و بلیه بدو رو می‌آورد ۸۷
۱۶. دعا برای آموزش گناهان و طلب عفو از نواقص ۹۱
۱۷. دعا هرگاه نام شیطان برده می‌شد و آن حضرت از او و کید او پناه به خدا می‌برد ۹۹
۱۸. دعای آن حضرت هرگاه بلیه‌ای از او دفع یا حاجت او زود برآورده شود ۱۰۵
۱۹. دعای آن حضرت در طلب باران ۱۰۷
۲۰. دعای آن حضرت در خوی‌های نیکو و کردارهای پسندیده ۱۱۱
۲۱. دعای آن حضرت چون پیشامدی و یاد گناهی او را اندوه‌مکین می‌کرد ۱۲۳
۲۲. دعای آن حضرت هنگام سختی و مشقت و دشواری کارها ۱۲۹
۲۳. دعای آن حضرت چون از خدا تندرستی و توفیق شکرگزاری می‌طلبید ۱۳۵
۲۴. دعای آن حضرت برای پدر و مادرش ۱۴۱
۲۵. دعای آن حضرت درباره فرزنداناش ۱۴۵
۲۶. دعای آن حضرت درباره همسایگان ۱۵۱
۲۷. دعای آن حضرت برای مرزداران ۱۵۵
۲۸. دعای آن حضرت چون به خدا پناه می‌برد ۱۶۳
۲۹. دعای آن حضرت چون روزی بر وی تنگ می‌شد ۱۶۷
۳۰. دعای آن حضرت برای ادای دین ۱۶۹

۳۱. دعای آن حضرت در ذکر توبه و طلب آن از خدای تعالی ۱۷۱
۳۲. دعای آن حضرت پس از نماز شب و اعتراف به تقصیر ۱۸۱
۳۳. دعای آن حضرت در هنگام استخاره ۱۹۱
۳۴. دعای آن حضرت هرگاه مبتلا می‌شد یا مبتلایی می‌دید ۱۹۳
۳۵. دعای آن حضرت در رضا به تقدیر الهی ۱۹۵
۳۶. دعای آن حضرت چون آبر و برق را می‌دید و آواز رعد را می‌شنید ۱۹۷
۳۷. دعاهاى آن حضرت در اعتراف به تقصیر از ادای شکر ۲۰۱
۳۸. دعا در عذرخواهی از تبعات مردم و کوتاهی در ادای آن و رهایی از آتش ۲۰۷
۳۹. دعای آن حضرت در طلب آمو و بخشایش ۲۰۹
۴۰. دعای آن حضرت هنگام شنیدن خبر مرگ کسی ۲۱۵
۴۱. دعای آن حضرت در طلب پرده‌پوشی و حفظ ۲۱۷
۴۲. دعای آن حضرت پس از ختم قرآن ۲۱۹
۴۳. دعای آن حضرت چون جانب ماه نو می‌نگریست ۲۲۹
۴۴. دعای آن حضرت چون ماه رمضان فرا می‌رسید ۲۳۳
۴۵. دعای آن حضرت در وداع ماه مبارک رمضان ۲۴۱
۴۶. دعای آن حضرت پس از نماز عید فطر و جمعه ۲۵۵
۴۷. دعای آن حضرت در روز عرقه ۲۶۱
۴۸. دعای آن حضرت در روز عید اضحی و روز جمعه ۲۸۹
۴۹. دعای آن حضرت در دفع کید دشمنان و آزار آنان ۲۹۹
۵۰. دعای آن حضرت در ترس از خدا ۳۰۵

۳۰۹	۵۱. دعای آن حضرت در زاری و نیاز
۳۱۵	۵۲. دعای آن حضرت در الحاج به خدای تعالی
۳۱۹	۵۳. دعای آن حضرت در تذلل برای خدای عز و جل
۳۲۱	۵۴. دعای آن حضرت در طلب رفع اندوه
۳۲۴	سخنی درباره تعداد دعای صحیفه سجادیه
۳۲۷	بی‌نوشت‌ها

مقدمه مترجم

سیاس خداوند را که باب رحمت بگشود و راه طلب بنمود، در آینه دل‌ها جلوه کرد و از دریچه عقول پرتو افکند، عاشقان را به تکاپو انداخت، عقول را شیدا ساخت. همه طالب اویند و به سوی او در تک و پویند، سالک راهند و وصال او را خواهند.

همه هستند سرگردان چو پرگار پدید آورنده خود را طلبکار راهنما فرستاد تا آفرینندگان را به سوی او بفرستد، شرایع و فرائض بنهاد و تهذیب نفوس تعلیم داد که «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَ قَدْ خَلَّجَ مِنْ دَسَاهَا» درود نامعدود بر او (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) باد و بر آل اطهار که حامل اسرار اویند و اصحاب کبار که ناقل آثار او.

اما بعد، دعا محک ایمان است و رابطه انسان و خداوند منان، هر که او را حاضر و ناظر داند، از مناجات با او روی نگرداند، و هر که قادر مختارش بیند، برای حوایج خویش وسیلتی جز او نگزیند و آنکه او را می‌شناسد از دیگران نهراسد. مهر و لطف او دل مؤمنان را آرامش بخشد. و بخشندگی او جان محبان را رامش دهد.

دوستان خدا از مکالمت با او لذت برند و از دمی غفلت، سال‌ها افسوس و حسرت خورند. ملامت و افسردگی در دعا، نشان ضلالت و دلمردگی است. بزرگان اولیا که عارف به اسرار قلوب بودند و از مشاهده جمال

مطلوب محبوب نگشتند، با سوز و گداز به درگاه بی نیاز روی آوردند و آنچه یافتنی بود یافتند، سخنان چاشنی بخششان غذای روح آدم و کلمات دلنشینان کلید فتوح گشت؛ چه، سخنان شیرین و کلمات دلنشین از غیر اهل دل صادر نشود و از غیر سالکان راه محبت میسر نگردد.

آنکه شوری در دل ندارد، هر چه به تصنع بسازد و به تکلف بپردازد، مانند کسی است که عاشقی نداند و سرود و غزل نوازد، یا باغ و گلستان را مشاهده نکرده، به وصف طراوت گل سخن آغازد.

ثنا و ستایش و دعا و نیایش، سیر شهودی است و کشف و جودی، راز و نیازی است میان مخلوق و خالق که غیر عاشق صادق بدان راه نیابد. دست بحث و جدل از دامن او کوتاه است «و هو یدرک و لایوصف» از این جهت آنچه از غیر ائمه دین مبین صلوات الله علیهم اجمعین یا از بزرگان و مشایخ عرفای اهل یقین که در سلوک پیروی ائمه کردند روایت شده است، آن لطف و طراوت و چاشنی و حلاوت که گفتار آنان در دست ندارد.

جماعتی از علمای ما در شرایط و احکام و قواعد و نتایج دعا، کتاب مستقل تألیف کردند و علمی مستقل تدوین نمودند و در اسرار و دقائق آن، به ادله عقلی و نقلی تمسک کردند، و راستی باید چنان کرد.

طلاب علوم دینی که عمر خود را در اصول دین و فروع و مقدمات آن صرف می کنند، شایسته است چندی هم به علم دعا بپردازند و یکی از بهترین کتب این علم را به دقت و تعمق نزد استاد بخوانند و اصول آن را به طور علمی فراگیرند و آن را دون شأن خود بشمارند. مثلاً کتاب «عدة الداعی» تألیف فقیه متبحر محقق، احمد بن فهد حلی که دانستن مضامین آن یقیناً از بسیاری مباحث متداوله مفیدتر است. در آن کتاب از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است: «الخشیة میراث العلم والعلم شعاع المعرفة و قلب الایمان و من حرم الخشیة لایکون عالماً» آن که از ترس خدا محروم باشد، عالم

نیست.

و هم در آن کتاب است که خداوند به داود علیه السلام وحی فرستاد: هر بنده‌ای که به علم خود عمل نکند، از میان هفتاد گونه عقوبت باطنی که به او چشام کمترینش آن بود که لذت مناجات را از دل او بیرون برم.

و خود ابن فهد گوید: علم عبارت از حفظ مسائل و تقریر بحث و دلائل نیست، بلکه علم آن است که بر ترس بنده از خداوند بیفزاید و او را در کار آخرت چابک سازد و در تحصیل لذائد دنیا بی‌رغبت گرداند، و از این روایات معلوم شد که علم بی‌عبادت ممکن نباشد.

در حالات ابوعلی سینا آورده‌اند که چون مسئله‌ای بر وی مشکل می‌شد، به اعتکاف و دعا توسل می‌جست و حل آن را از خدا می‌خواست که به او الهام فرماید.

و هم در کتاب «عدة الداعي» در مدح عیب به دعا گوید: هم عقل دعا را الزام فرماید و هم نقل، اما عقل چون دفع ضرر معتمد واجب است و به دعا این مقصود حاصل شود. و نقل چون در قرآن کریم بدان امر تأیید است و ترک آن را استکبار نامیده و بر آن تخویف کرده است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» و نیز فرمود: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» و دیگری در وجوب ذکر بدین آیت احتیاج فرموده: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ» و نیز «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ».

حکمای الهی در سر استجاب دعا تحقیقات دارند و چنان که جهال پندارند آن را مخالف سنت جاریه الهی ندانند و دعا را از اسباب مؤثره خارج نشمارند. شیخ الرئیس ابوعلی سینا در اواخر «اشارات» گوید: شاید تو را از عارفان خبری رسد بر خلاف عادت و آن را تکذیب کنی، چنان‌که گویند:

غارفی برای مردم | نماز | استسقا کرد و باران آمد. یا از خدا شفا خواست و شفا یافتند، یا بر آنها نفرین کرد، به زمین فرو رفتند، یا گرفتار زلزله شدند، یا به سبب دیگر هلاک گشتند، یا برای آنها دعا کرد، مرض عام و مرگ و سیل و طوفان از آنها دفع شد، یا حیوان درنده‌ای رام آنها گشت، یا مرغی از ایشان نرُمید و مانند اینها که نمی‌توان همه را انکار کرد، پس توقف کن در تکذیب و شتاب منمائی که امثال این را در اسرار طبیعت اسبابی است و شاید من بتوانم چیزی از آن برای تو بیان کنم (انتهی).

پس ای خواننده عزیز! هر که هستی مباد به تقلید از جهال، مقام ولایت بزرگان را انکار کنی و تصرف آنان را در ماده کائنات از خرافات شماری و امامت را بر صفحه قلب ائمه دین چون نقش عرضی پنداری که هرچه از راه گوش فرا گرفتند، از حفظ گردانند و به یاد داشتند، بلکه چنان دان که روح ولایت با نفوس آنان در آمیخته است و آنها ذاتاً فوق نفوذ سایر افراد بشرند. چنان‌که ارسطو و ابوعلی سینا در عقل و امور عقلی و سعدی در ذوق و طبع ذاتاً از دیگران ممتاز بودند. همچنان انبیا و اولیا به روح ولایت که عبارت از رابطه و اتصال میان آنان و خالق است، به تصرف در موجودات قادر گشتند، به دعا و توجه و بحول الله و قوته، چنان که فرمود: «وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَتُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِي» نسبت ابراء و احیا به عیسی داد، نه از خود او بلکه به اذن پروردگار.

رابطه میان همه مردم و خداوند هست، اما نه چندان که همه گونه تصرف کنند، بلکه هر کس به قدر همت خویش و حسن ظن به خداوند و قوت اعتقاد و شدت توجه، حاجت از خدای خواهد، خداوند حاجت او را برآورد.

فیض روح القدس از باز مدد فرماید دگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد
آن مرد بدگمان و سست اعتقاد که توجهی به رابطه با حق ندارد، از خدای

چیزی نمی خواهد تا مستجاب گردد، و سالبه به انتفاء موضوع است. در انجیل آمده است که عیسی علیه السلام به حواریون گفت: اگر از روی اعتقاد از خدای بخواهید، توانید این کوه ها را از جای بر کنید. در حدیث سیف بن عمیره آمده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: چون خدای را خوانی به دل روی بدو کن و هم این فهد از حضرت روایت کند: هر که خواهد منزلت خویش را نزد خدای داند، بنگرد که منزلت خدای تعالی نزد او چگونه است که خدای تعالی بنده را بدان منزلت قرار می دهد که بنده خدای را.

و هم در آن کتاب است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام: هر که آرزوی چیزی کند و خدای بدان راضی باشد، از این جهان بیرون نرود تا آرزوی او برآید. و نیز فرمود: چون دعا کنی، حاجت خود را بر در آماده بین. و از عثمان بن عیسی روایت کند که به آن حضرت گفت: دو آیت در قرآن است که هر چه جستیم حقیقت آن را در نیافتیم. فرمود: یا ایها الذین آمنوا استجبوا لربکم او را خواندیم و اجابت ندیدیم. فرمود: یا ایها الذین آمنوا استجبوا لربکم او را خواندیم و اجابت ندیدیم. فرمود: پس از چه جهت اجابت نکرد؟ گفتم: نمی دانم. آن حضرت فرمود: من به تو خبر دهم که هر کس فرمان خدا برد و خدای را از راهش بخواند، خدای اجابت او کند. گفتم: راه دعا چیست؟ فرمود: به سپاس خداوند آغاز کنی و نعمت های او را به یاد آوری و شکر او بگذاری، آنگاه درود بر نبی و آل او بفرستی، گناهان خویش برشماری و به آنها اقرار کنی و آمرزش خواهی؛ این راه دعا کردن است. آنگاه فرمود: آیت دیگر کدام است؟ گفتم: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَمَا أَرْفَعُ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» الی آخر الحدیث.

در روایت از حضرت علی بن الحسین علیه السلام آورده است در اقسام ذنوب که فرمود: آن گناهان که دعا را رد می کند و مانع اجابت می شود: نیت زشت است و ناپاکی سرشت و نفاق با برادران و باور نداشتن استجاب دعا و دیر